



A comparative Perspective on the Hierarchical Structure of Laws and Regulations in The Iranian Legal System and Hans Kelsen's Legal Order

Nader Asadioojagh¹, Samaneh Rahmatifar²

¹ PhD Student of Public Law, Faculty of Humanities, University of North Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding Author), Email: naderasadioojagh@gmail.com

² Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran, Email: S.rahmatifar@gmail.com

Abstract

Legal norms lead to the emergence of a coherent legal system when their value and validity derive from an ultimate and superior legal rule. The main purpose of this research is to explain and elaborate on the legal rules positioned at various levels of the hierarchy of legal norms in the Islamic Republic of Iran and to conduct a comparative analysis of this legal system with the legal pyramid formulated in Hans Kelsen's theoretical framework. This article, conducted through comparative analysis, will demonstrate that issues and realities such as 'the possibility of identifying legal norms beyond the constitution due to the nature and type of Iran's political system,' 'the provision of rules equivalent and co-equal with the constitution,' and 'the unfortunate phenomenon of regulatory inflation in the country's legal domain' have led to the emergence of a rare form of geometric composition (hyperbolic cooling tower) of the legal order in Iran, resulting in the increasing divergence of the Iranian legal system's geometric structure from the Kelsen legal pyramid. Moreover, the affliction of the detrimental phenomenon of legal inflation on the lower domains of the Iranian legal system and its excessive expansion have further contributed to these distinctions and differences between the two legal systems.

Keywords: Legal System, Hierarchy of Laws and Regulations, Superior Norms, Kelsen Legal Pyramid, Iranian Legal Order.

Received: 2024/03/15 ; Revised: 2024/12/28 ; Accepted: 2025/02/24 ; Published online: 2025/06/22

How To Cite: Asadioojagh, Nader; Rahmatifar, Samaneh (2025). A comparative Perspective on the Hierarchical Structure of Laws and Regulations in The Iranian Legal System and Hans Kelsen's Legal Order, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(2), 1-26.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.8883.2369>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





نگرشی تطبیقی بر ساختار سلسله‌مراتبی قوانین و مقررات در نظام حقوقی ایران و نظم حقوقی هانس کلسن

نادر اسدی‌اوجاق^۱، سمانه رحمتی‌فر^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران شمال (نویسنده مسئول)، تهران، ایران، رایانامه:

naderasadioojagh@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران، رایانامه: S.rahmatifar@gmail.com

چکیده

هنجارهای حقوقی زمانی منجر به پیدایش یک نظام حقوقی منسجم می‌شوند که ارزش و اعتبار آن‌ها منبعث از یک قاعده حقوقی غایی و برتر باشند. هدف اصلی این پژوهش تبیین و تشریح قواعد حقوقی جانمایی شده در سطوح مختلف سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه تطبیقی این نظام حقوقی با هرم حقوقی نسج یافته در نظریه ترسیمی هانس کلسن است. در این نوشتار که با روش مقایسه تطبیقی انجام می‌شود مشخص خواهد شد که مسائل و واقعیت‌هایی همچون «امکان شناسایی هنجارهای حقوقی ماورای قانون اساسی به اقتضای نوع و ماهیت نظام سیاسی ایران»، «پیش‌بینی قواعدی همسنگ و هم‌شان با قانون اساسی» و «عارض شدن پدیده ناخوشایند توزیع مقررات در ساحت نظام حقوقی کشور» منجر به پیدایش گونه‌ای نادر از ترکیب هندسی (برج خنک کن هندلولی) غول‌پیکر از نظم حقوقی در ایران شده و فاصله گرفتن بیش از پیش شاکله هندسی نظام حقوقی ایران از هرم حقوقی کلسنی را به همراه داشته است. از دیگر سو، با عارض شدن پدیده شوم توزیع قوانین بر دامنه‌های تحتانی نظام حقوقی ایران و قریب‌تر شدن بی‌حدو حصر آن، مزید بر علت این تمایزات و تفاوت‌ها فی مابین دو نظام حقوقی مزبور گشته است.

کلیدواژه‌ها: نظام حقوقی، سلسله‌مراتب قوانین و مقررات، هنجار برتر، هرم حقوقی کلسنی، نظم حقوقی ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
استاد به این مقاله: اسدی‌اوجاق، نادر؛ رحمتی‌فر، سمانه (۱۴۰۴). نگرشی تطبیقی بر ساختار سلسله‌مراتبی قوانین و مقررات در نظام حقوقی ایران و نظم حقوقی هانس کلسن، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۲)، ۱-۲۶.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.8883.2369>



مقدمه

مجموعه قابل توجهی از هنجارهای حقوقی در صورتی موجب تکوین یک نظام حقوقی می‌شوند که امکان ارجاع منشأ اعتبار آن‌ها به یک قاعده برتر، به مثابه مبنای غایی وجود داشته باشد. به طوری که این قاعده مبنایی و اصلی به عنوان منبع واحد تمامی هنجارهای حقوقی دیگر، متضمن و تأمین‌کننده یک نظام حقوقی می‌شوند (کلسن، ۱۳۹۱: ۹۷). در تعبیری دیگر، نظم حقوقی، به عنوان نظامی از سلسله هنجارهایی است که در پرتو ارتباط با همدیگر، هریک از هنجارها شالوده ارزش و اعتبار خود را در هنجار دیگری جستجو می‌نماید که از حیث درجه و جایگاه در مرتبه بالاتری قرار دارد، هنجارهایی که همچون تُنداب و آبخاری وصل به یکدیگر هستند (شوالیه، ۱۳۷۸: ۴۷-۴۸). همچنین، در مقام بیان علل و چرایی تمرکز و تأکید فن‌سالاران بر طراحی و ترسیم چنین نظامی از هنجارهای حقوقی، برخی از نویسندگان آن را از بایسته‌های تحقق عدالت و استقرار دموکراسی و نظام مردم‌سالاری تلقی کرده‌اند (حاج‌علی‌خمس، ۱۳۹۳: ۱۹).

در هرم حقوقی کلسن، قواعد حقوقی به هنجارهایی تشبیه و تعبیر شده‌اند که به دو صورت صعودی (که در طبق آن هنجار در نهایت به قانون اساسی منتهی می‌شود) و نیز نگرش نزولی (که طی آن هنجارها به الزامات حقوقی ناشی از روابط خصوصی ادامه پیدا می‌کند) قرار دارند (Hughes, 1971: 617). مضاف بر آن، کلسن به صورت‌بندی قواعد حقوقی اعتقادی به موضوعیت هنجارهای حقوقی ذهنی در قبال قواعد حقوقی عینی نداشته و آن را جنبه‌ای از حقوق عینی می‌دانست که در طبقه‌بندی قواعد حقوقی، در پایین هرم قرار دارند (Kelsen, 1976: 180). اما ظهور و بروز مراجع معتابه قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که به اقتضای ماهیت نظام سیاسی، اهداف و آرمان‌های ترسیمی‌اش مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته‌اند و نیز جانمایی هنجارهایی هم‌درجه با قانون اساسی در نظام حقوقی ایران و بالاخره پدیده نامیمون تورم قوانین موضوعه (به مثابه هنجارهایی کلی) که بر نظام حقوقی حال حاضر ایران سایه افکنده است (حاج‌علی‌خمس، ۱۳۹۳: ۱۹)،^۱ باعث شده گردیده که آرایش و چیدمان هندسه نظم حقوقی کشور تحت الشعاع همین وضعیت قرار گرفته و منجر به فاصله گرفتن نظم حقوقی حاکم بر ایران از نظام حقوقی شناخته شده و پذیرفته شده (نظام هندسی هرمی شکل کلسنی) شود و شکل و ترکیب هندسی منحصر به فردی را به خود بگیرد.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تطبیقی نظم حقوقی حاکم بر سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نظام حقوقی هانس کلسن است؛ هدف فرعی آن، تبیین و تشریح سطوح

۱. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک: ابریشمی راد، محمدامین و اسدی‌اوجاق، نادر (۱۴۰۱)، مهم‌ترین علل قابل اجرا نبودن قوانین در نظام حقوقی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۳۵.

مختلف سلسله‌مراتب قواعد حقوقی ایران است که در لایه‌های مختلف آن با چیدمانی متمایز، باعث پدیدار شدن گونه‌ای نادر از بافت هندسی شده است. پرسش پژوهش حاضر این است که عناصر و محتوای تشکیل دهنده قواعد حقوقی ایران منجر به پیدایش چه نوع از صورت‌بندی و شکل هندسی شده است؟

فرضیه پژوهش این است که تعدد و تکرار هنجارهای حقوقی در سطوح مختلف سلسله‌مراتب قواعد حقوقی در نظام حقوقی ایران منجر به فربه‌تر شدن روزافزون لایه فوقانی، سطح میانی (با شیبی ملایم‌تر) و دامنه تحتانی (با شدت بیشتر) نظام حقوقی کشور شده و با فاصله گرفتن آن از شکل هرمی جهان‌شمول هانس کلسن به (برج خنک‌کن هذلولی)^۱، شباهت پیدا کرده و از حیث ظاهری به تصویر و پیکره منحصر به فردی تبدیل شده است.

در ارتباط با پیشینه این جستار باید افزود که هرچند در مقوله سلسله‌مراتب میان هنجارهای حقوقی تحقیقات متعددی همچون؛ «تأملی بر سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ویژه، ۱۳۸۸»، «مسئله سلسله‌مراتب در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، ابوالحمد، ۱۳۶۰»، «سلسله‌مراتب قانون‌گذاری در نظام اداری اسلامی (با تأکید بر قانون اساسی ج.ا.ایران، درودی، ۱۳۹۰) و به‌ویژه گزارش پژوهشی «سلسله‌مراتب قوانین در نظام جمهوری اسلامی ایران، حاجی‌علی‌خمسه، ۱۳۹۳» انجام پذیرفته است. اما تاکنون در هیچ تحقیق یا نوشته‌ای، شکل هندسی و صورت‌بندی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تحلیل و مورد بررسی قرار نگرفته است و از این حیث نوشتار حاضر بدیع و مفید فایده بر نظام حقوقی ایران ارزیابی می‌شود. به منظور پاسخ به پرسش این تحقیق، ابتدا ضمن طرح و توصیف مختصری از پیشینه نظام حقوقی حاکم بر ایران در تطورات مختلف تاریخی (بند ۱)، در نهایت هنجارهای حقوقی سازمان یافته در نظم حقوقی جمهوری اسلامی ایران (بند ۲) با نگاهی تطبیقی به هرم حقوقی کلسنی بررسی و تحلیل خواهد شد.

۱. پیشینه نظام حقوقی حاکم بر ایران در تطورات مختلف تاریخی

تاریخ تکوین حقوق در ایران باستان، مصادف با ورود اقوام آریایی به این سرزمین بوده (اصلانی، ۱۳۹۹: ۵۲) و در حکومت پادشاهی ایران در این دوره، قلعه هرم اقتدارات و اختیارات به فرمان‌های شخص شاه منتهی می‌شده (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳: ۱۵۲) که بر همین اساس، ابتدای صورت‌بندی نظام حقوقی ایران باستان با فرامین و قوانین تنظیمی پادشاهان رقم خورده است. بنابراین تا قبل از بروز و ظهور نوگرایی و مدرنیسم، رأس هرم نظام حقوقی در قلمرو ایران را بایستی با همان الزامات و دستورهای شاهانه سنجید.

1. Hyperbolic cooling tower

۲. نام سازه‌ای که به‌منظور خنک کردن آب در نیروگاه‌های حرارتی تعبیه می‌شود.

طبق یافته‌های موجود، پیشدادیان به‌منزله نخستین خاندان حاکم بر قلمرو ایران، در زمره نخستین قانون‌گذاران در ایران نیز تلقی می‌شوند (اصلائی، ۱۳۹۹: ۵۳). اما طبق بررسی‌های به عمل آمده مجموعه حقوقی سه‌گانه‌ای مشتمل بر: «گزارش روایی اصلاحات اوروکاگینا»، «مجموعه‌ای از قوانین آور-نمو» و «قانون‌نامه لیپیت-ایشترا» که به زبان سومری بوده‌اند، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. به‌طوری که هر سه مجموعه مقدم و مسبق بر قانون‌نامه حمورابی^۱ تلقی می‌شوند (بادامچی، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۵۱). به هر ترتیب در خاندان حاکم بر قلمرو ایران فرامین شاهان دستورالعمل همه بخش‌های کشوری به حساب می‌آمد و اطاعت از شاهان چون اطاعت از یزدان تلقی می‌شد. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳: ۱۴۶)، بدین معنا که بر تازک هندسه نظم حقوقی ایران فرمان شاه خودنمایی می‌کرده و در مقابل، سایر دستورات و الزامات تنظیمی مأموران و مزدوران وابسته به شاه در طول (ذیل) نظام شاهی قابل پذیرش بودند. لذا همین قوانین و فرامین منتسب بر شاهان، بنیان‌های هرم نظم حقوقی ایران باستان را به خود اختصاص داده بودند.

اما با گذر از دوره باستان و ورود اسلام به ایران، در سال ۱۲ هـ ق برابر با ۶۳۳ میلادی (زمانی محجوب، ۱۳۸۸: ۱۲۳)، نظم و نظام حقوقی نیز به‌تدریج در قلمرو حکومتی ایران متحول گشت. بر همین اساس، منابع فقهی حقوق عمومی (مشتمل بر کتاب، سنت، اجماع و عقل) یا ادله اربعه (عمیدزنجانی، ۱۳۸۵: ۸)، در کنار «شریعت شاهی»^۲ به‌مثابه عناصر متشکله نظم حقوقی قرار گرفتند. علاوه بر آن‌ها، فتاوی‌ای علما و فقها نیز در زمره عناصر سازمان یافته در سلسله‌مراتب قواعد حقوقی برخی از حکومت‌های سلاطین ایران محسوب شدند. به‌طوری که همین عناصر بعضاً همسنگ و هم‌ردیف دستورهای شاه، در طبقات بالای سلسله‌مراتب بین هنجارهای حقوقی ایران بازاریابی شدند. اما در دوره صفویه، روحانیت ضمن نقش‌آفرینی در اداره امور و شئون حکومتی، آزادانه به ترویج و تبیین احکام و شریعت همت گماشته (رجبی داوانی، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷) و حتی به صدور فتاوی جهاد در جریان نبردهای ایران و روسیه نیز پرداخته‌اند (رجبی داوانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲) که گویای نقش‌آفرینی سازوکار فتوا در هندسه نظم حقوقی ایران آن دوره بوده است. لذا با این وضعیت، اگر بخواهیم شاکله‌ای از نظام هنجاری حال حاضر را ترسیم و تداعی نماییم باید از حالت هرمی عبور کرده و به‌گونه‌ای از ترکیب هندسی شبیه برج خنک‌کن هذلولی تمسک بجویم. چراکه دیگر، قواعد برتر به فرامین شاه اختصاص نداشته و به علت پُرازدحامی قواعد برتر، پیکره نظم حقوقی در لایه‌های فوقانی (قواعد و رای قانون اساسی) و نیز در سطح مربوط به قانون اساسی آن (البته با حجمی نحیف‌تر از سطح فوقانی) افزوده شده است. با

۱. این قانون‌نامه در زمستان ۱۹۰۱-۱۹۰۲ توسط کاوشگران فرانسوی در شهر باستانی شوش ایران کشف شده است.

۲. شاه به‌عنوان عالی‌ترین و قدرتمندترین مقام کشور در راستای کشورداری مبادرت به صدور فرمان‌ها و دستوراتی می‌نمود که قانون تلقی می‌شد و در تمام قلمرو حکومتی لازم‌الاجرا محسوب می‌شود.

این توضیح که نوع نظام سیاسی حاکم بر ایران باعث شده است که چیدمان سلسله‌مراتبی قوانین و مقررات حال حاضر ما به‌گونه‌ای شکل بگیرد که قواعد برتر صرفاً به قانون اساسی اختصاص پیدا نکرده (برخلاف نظم حقوقی کلسن)، بلکه سطوحی بالاتر از قانون اساسی نیز در نظام حقوقی ایران جانمایی شده و به هنجارها، مقررات مربوط به موازین اسلامی و فرامین رهبری تعلق گرفته‌اند و همین خصیصه بر صورت‌بندی نظام حقوقی ایران اثرگذار شده است.

اما رگه‌هایی از نظم حقوقی مد نظر کلسنی را بایستی در نظام مشروطه ایران جستجو کرد. چراکه، با تحقق نهضت مشروطه، مردم ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی شدند (جعفری ندوشن، ۱۴۰۰: ۱۳۵۳) و تدوین قانون اساسی مشروطه در ذیقعد ۱۳۲۴ هـ.ق / ۱۲۸۵ هـ.ش و تکوین و تکامل متمم قانون اساسی به فاصله یک سال پس از آن در شعبان ۱۳۲۵ هـ.ق برابر با ۱۲۸۶ هـ.ش (دانش‌کیا، ۱۳۸۸: ۵-۶)، موجب نسج یافتن ساختاری هرمی شکل در نظم حقوقی مدرن در قالب سلسله‌مراتب میان هنجارهای حقوقی در آن دوره شد و بدین ترتیب صورت‌بندی سلسله‌مراتبی قوانین و مقررات در ایران شاکله‌ای نو به خود گرفته و قانون اساسی به‌مثابه «دستورنامه حقوقی و سیاسی هر کشور»^۱ بر تازک قواعد حقوقی ایران نمایان شد و بدین ترتیب نظم حقوقی ایران صورت‌بندی هرمی شکل را در برهه‌ای از تاریخ معاصر تجربه کرد. لیکن با پیروی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی سال ۵۸ و ملغی‌الاثربودن قانون اساسی مشروطه و متمم آن، دیری نپایید که صورت هرمی چیدمان قواعد حقوقی متحول و منقلب شد.

اما برتری قانون اساسی بر سایر هنجارهای حقوقی بدین مفهوم است که نظم حقوقی اقتضا دارد که قانون اساسی در صدر تمامی قوانین و مقرره‌ها جانمایی شده و تمامی قوانین منطبق و موافق با هنجار برتر (قانون اساسی) باشند. فلذا، در قضیه مربوط به علل برتری و تفوق قانون اساسی بر سایر هنجارهای حقوقی، گزاره سلسله‌مراتب قوانین و مقررات را به‌عنوان دلیل این برتری و تفوق در پیدایش نظم حقوقی برشمرده‌اند (رحمت‌اللهی و آقامحمدآقایی، ۱۴۰۰: ۱۵۳). از سوی دیگر، در ارتباط با فرآیند تبدیل نظم عمومی به نظم حقوقی، برخی از حقوق‌دانان معتقدند که باور مشترک شهروندان و دولت به ارزش‌ها و آرمان‌های عمومی، خود منجر به شکل‌گیری نظم و ترتیبی شده و به خاطر همین نظم به وجود آمده، دولت می‌بایست در حد ظرفیت‌های موجود، درخواست‌ها و مطالبات مردم را (به‌مثابه ورودی‌ها و داده‌ها و اطلاعات) دریافت نموده و سپس آن‌ها را در حد توان، بضاعت و امکاناتش و در چارچوب ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه به شکل قانون و در قالب نظم حقوقی درآورده و نهایتاً به برطرف ساختن کاستی‌ها، رفع خلأها و متقابلاً به توسعه و تقویت بیش‌ازپیش جنبه‌های مثبت امور مبادرت نماید (رحمت‌اللهی و

۱. این عبارت در کتاب بایسته‌های حقوق اساسی مرحوم ابوالفضل قاضی به‌کار رفته است.

آقامحمدآقای، ۱۴۰۰: ۱۵۱). اما مقصود از هندسه نظم حقوقی، تبیین کیفیت استقرار قوانین و مقررات در طول یکدیگر، نوع صورت‌بندی هنجارهای حقوقی، نحوه سازماندهی آن‌ها و نهایتاً بیانگر ساختار سلسله‌مراتبی قوانین و مقررات کشور در مقایسه با نظم حقوقی هانس کلسن است. به عبارتی، هندسه نظم حقوقی را می‌توان مترادف با هرم قوانین و مقررات که توسط کلسن ترسیم و طراحی شده است، محسوب کرد.

۲. هنجارها حقوقی سازمان یافته در نظم حقوقی جمهوری اسلامی ایران

در آثار عده‌ای از حقوق‌دانان پدیده فرا قانون اساسی عامل بی‌نظمی دانسته شده و گونه‌ای از مصادیق الیگارش‌ی تلقی گردیده است (فاورو و ودل، ۱۳۸۲: ۲۷). در مقابل، کم‌شمار بودن قواعد فrazین در مقایسه با قواعد فرودین یکی از دو خصیصه عمده سلسله‌مراتب میان قواعد حقوقی محسوب شده است.^۱ با این توضیح که هر چقدر از قاعده هرم حقوقی فاصله گرفته و به نوک قله هرم نزدیک‌تر شویم از حجم کمی قواعد حقوقی کاسته شده (ویژه، ۱۳۸۸: ۱۲) و درنهایت، صرفاً قانون اساسی بر تازک این هرم خودنمایی می‌کند. اما صورت‌بندی حاکم بر هندسه سلسله‌مراتب قواعد حقوقی جمهوری اسلامی ایران به گونه دیگری رقم خورده و وضعیتی متفاوت از نظم حقوقی کلسنی (شکل هرمی) را به خود گرفته است. بدین معنا که پاره‌ای از قواعد حقوقی در ورای قانون اساسی سازمان یافته و دسته‌ای دیگر (البته کم‌شمارتر از قواعد مافوق قانون اساسی) نیز هم‌عرض و همسنگ قانون اساسی جانمایی شده‌اند. که این دو خصیصه عارض بر صورت‌بندی قواعد حقوقی در ایران را باید جنبه‌های اصلی تمایز با نظم حقوقی کلسنی برشمرد. همچنین، پیدایش تراحم و تلاطم در لایه‌های بالایی و تا حدودی سطوح میانی قواعد حقوقی در ایران، باعث شده که برخی از نویسندگان این وضعیت را نوعی تداخل بین هنجارهای حقوقی در سطوح مختلف آن مفروض به دارند (ویژه، ۱۳۸۸: ۱۲). مضاف بر آن، ازدحام قوانین در سطوح تحتانی نظام حقوقی ایران، وجوه تفاوت این دو نظم حقوقی را قوت بخشیده است.

۲-۱. قواعد فرازین قانون اساسی (قواعد فرا قانون اساسی)

در نظام حقوقی کلسنی اعتبار هنجارهای حقوقی از مفاد و محتوای خودشان نشئت نگرفته‌اند و ارزش و اعتبارشان ناشی از یک هنجار برتر است (کلسن، ۱۳۹۱: ۹۸) و این هنجاری که در منتهی‌الیه زنجیره هنجارهای حقوقی قرار گرفته و پیش‌فرض همه هنجارهای دیگر است «هنجار بنیادین» نامیده می‌شود (Stranzinger, 1977: 401). هرچند کلسن از پاسخ به این پرسش که قانون اساسی که در رأس هرم حقوقی قرار دارد، اعتبارش را از چه منبعی کسب می‌نماید، عاجز بوده و به آن پاسخی نداده است

۱. سلسله مراتبی بودن قواعد حقوقی ویژگی دوم نظم هرمی هانس کلسن تلقی شده است.

(Kelsen, 1976: 299). اما در نظام سلسله‌مراتب حقوقی ایران، ما با دسته‌ای از قواعد حقوقی فراقانون اساسی مواجهیم که به نظر می‌رسد ارزش و اعتبارشان منبعث از ماهیت و مفادشان باشند، نه از یک هنجار برتر حقوقی موسوم به قانون اساسی، لذا همین وضعیت را بایستی نقطه دالّ مرکزی تفاوت فی‌مابین نظم حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی کلسنی (صورت هرمی شکل) دانست. چراکه هیچ‌کدام از این شاخصه‌های فرازین در نظم هرمی کلسن موضوعیت ندارند.

۲-۱-۱. احکام حکومتی

احکام حکومتی، به‌گونه‌ای از هنجارهای حقوقی اطلاق شده است که با ابتنای بر ضوابط و چارچوب‌های پیش‌بینی شده شرعی و با مطمح نظر قرار دادن مصالح و منافع عمومی مسلمانان، به‌منظور صیانت از جامعه و رتق وفتق امور و نیز تنظیم روابط فی‌مابین سازمان‌ها در مسائل عدیده اجتماعی از جانب حاکم اسلامی صادر می‌شود (نمازی‌فر، ۱۳۷۹: ۴۷). به عبارتی، مبنا و ماهیت موجه‌ساز حکم حکومتی «مصلحت و منفعت عمومی» تلقی شده است (بلوی، ۱۳۹۹: ۴۸). هرچند عبارت حکم حکومتی صریحاً مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون اساسی قرار نگرفته است، با این حال، تمامی احکامی که مقام رهبری در چارچوب اصول (۵ و ۵۷) و همچنین اختیارات مصرّح در اصل ۱۱۰ قانون اساسی اقدام به صدور آن‌ها می‌نماید، در زمره احکام حکومتی قرار می‌گیرند (تقوی، ۱۳۹۰: ۳۳). بر همین اساس، این مقام در مواردی خارج از منصوبات و مصرّحات قانون اساسی^۱ مبادرت به صدور احکامی از این دست می‌نماید (بلوی، ۱۳۹۹: ۳۴) و از آنجا که احکام اسلامی بر اساس اصل ۴ قانون اساسی بر اطلاق و عموم همه اصول آن قانون و دیگر قوانین و مقررات حکومت دارد، نتیجتاً، وقتی حکم حکومتی بر سایر احکام الهی تفوق و برتری دارد، به‌طریق‌اولی بالاتر از قانون اساسی (فراقانون اساسی) و بلکه در بالاترین درجه از سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی قرار می‌گیرد (حاج‌علی‌خمسّه، ۱۳۹۳، ۲۳). مضاف بر آن، برخی از نویسندگان در خصوص نظم حقوقی جمهوری اسلامی ایران از دو نوع «نظم موازی حقوقی و شرعی» یاد کرده‌اند که به استناد اصل (۴) قانون اساسی، نظم حقوقی غالباً از نظم شرعی پیروی می‌کند و همین وضعیت باعث شده نظم حقوقی ایران ویژگی منحصربه‌فردی پیدا نموده (ویژه، ۱۳۸۸: ۲۱) و این خصیصه منحصربه‌فرد موجب بروز صورت‌بندی متفاوتی از نظم حقوقی در ایران شده است.

۲-۱-۲. مصوبات ذیل بند ۸ اصل (۱۱۰) قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام

تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را نشئت گرفته از حدوث و بروز اختلاف بین نهاد شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در حیطه مصوبات مربوط به احکام ثانویه دانسته‌اند (گروه پژوهشی، ۱۳۹۳:

۱. مفاد اصل ۱۱۲ و بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی از آن جمله‌اند.

۳-۴). مضاف بر آن، این نهاد سازوکاری برای حل معضلات نظام نیز معرفی شده است که البته به علت عدم شناسایی مصادیق این معضلات و کلی بودن آن، برخی از نویسندگان آن را به‌مثابه مفرّ و گلوگاهی برای گریز از نظامات معین شده در قانون اساسی دانسته و از این حیث بر آن خدشه وارد کرده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۵: ۷۳). همچنین، برخی دیگر از حقوق‌دانان در آثارشان به طُرُقی اشاره کرده‌اند که در صورت عملی شدن آن طُرُق، ضرورتی به ایجاد این نهاد نمی‌بود و نتیجتاً سطح فوقانی نظام حقوقی کشور نیز انسجام خود را از دست نمی‌داد. به‌عنوان نمونه، ناصر کاتوزیان در مقاله «گذری بر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی» اظهار داشته است که پیش‌نویس قانون اساسی سال ۵۸ به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که اگر اختلافی بین شورای نگهبان و مجلس در خصوص مصوبه‌ای پدید می‌آمد برخی از مقامات عالی‌ه (رئیس‌جمهور، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کشور) آن را برخلاف قانون اساسی تشخیص می‌دادند و یا طبق نظر یکی از مراجع تقلید، مصوبه وکلای مجلس با شرع مقدس تعارضی پیدا می‌کرد، این موارد به شورای نگهبان (به‌مثابه دادگاه قضایی) ارجاع می‌شد و در صورت احرار مخالفت و تعارض آن با اصول قانون اساسی یا شریعت، مصوبه از طریق شورا ابطال می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۹). در این صورت از حجم قابل ملاحظه‌ای از هنجارهای حقوقی فرا قانون اساسی در نظام حقوقی کشور فروکاسته می‌شد. اما به هر ترتیب، این نهاد با ابتنای بر اختیارات مطلقه حکومت اسلامی و با اتکای بر مبسوط‌الید بودن حکومت در حیطه مصالح و منافع عمومی در جامعه اسلامی در زمره نهادهای اساسی قرار گرفته است (دوست‌محمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). البته نباید از نظر دور داشت که همه تصمیمات این نهاد، فرا قانون اساسی تلقی نمی‌شوند و صرفاً مصوبات مشمول بند ۸ اصل (۱۱۰) قانون اساسی از شأن فرا قانون اساسی برخوردارند. به هر ترتیب با ایجاد این نهاد با ویژگی شمرده شده، در صورت‌بندی شاکله نظم حقوقی کشور نقش پررنگی را ایفا می‌نماید. به عبارتی، تکوین این نهاد در نظام حقوق اساسی ایران و تدوین الزاماتی در ذیل بند مزبور، زمینه لازم را برای فربه‌تر شدن بیش‌ازپیش قواعد حقوقی در سطح فوقانی نظم حقوقی ایران فراهم ساخته است و به‌عنوان مؤلفه‌ای مستقل در شکل‌گیری متمایز نظم حقوقی ایران ایفای نقش کرده است.

۳-۱-۲. مصوبات شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی از ابداعات تدوین‌کنندگان قانون اساسی سال ۶۸ محسوب می‌شود. از آن حیث که مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری اعتبار و ارزش حقوقی و اجرایی پیدا می‌کنند، عده‌ای آن را در زمره احکام حکومتی دانسته و جایگاه آن را حتی فراتر از موازین شرعی فرض کرده‌اند (حاج‌علی‌خمس، ۱۳۹۳: ۲۶) و به‌طریق اولی بالاتر از اصول قانون اساسی تلقی شده و بدین ترتیب با قبول این گزاره مصوبات این شورا نیز با قرار گرفتن در سطح فوقانی سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی ایران، موجبات تعدد و تکثر هنجارهای حقوقی در رأس سلسله‌مراتب قواعد حقوقی را فراهم آورده

و فراخی بیش از پیش نوک قله پیکره نظم حقوقی ایران را تشدید کرده است. البته باید خاطر نشان کرد که با تمسک بر سازوکار پیش‌بینی شده در اصل (۷۹) قانون اساسی به راحتی می‌توان از فزونی و کثرت قواعد حقوقی در قسمت فوقانی حقوقی در جمهوری اسلامی ایران فروکاست. اما اعضای شورای ذکر شده در اصل (۱۷۶) همان قانون برای کوتاه کردن مسیر تحقق برنامه‌های خود و یا شاید برای مسجل کردن تصویب پیشنهادهاشان، تلاش کرده‌اند با در حاشیه قرار دادن راهکارهای ذیل اصل (۷۹) و با روی آوردن به فرآیند ترسیمی در اصل (۱۷۶) قانون اساسی، فراخی و فزونی در گستره قواعد فرا قانون اساسی را موجب شوند. به عنوان نمونه در جریان شیوع بیماری کرونا، ستاد ملی مقابله با کرونا با کنشگری و محوریت شورای عالی امنیت ملی مقرر شده در اصل (۱۷۶) قانون اساسی تشکیل گردید (آقائی، ۱۴۰۱: ۷۸۹-۷۹۰)، در حالی که این اقدام از طریق سازوکار پیش‌بینی شده در ذیل اصل (۷۹) همان قانون نیز میسر و ممکن بود.

۲-۲. قانون اساسی و قواعد هم‌عرض آن

در تلقی هانس کلسن از نظام حقوقی، هنجارهای پدیدآورنده این نظام حقوقی قواعدی هم‌عرض محسوب نشده‌اند، بلکه ترسیمی از هنجارهای سطح فوقانی و سطح تحتانی هستند که هنجارهای سطح بالا اعتباردهنده به هنجارهای فرودین می‌باشند. کلسن قانون اساسی را عالی‌ترین سطح از حقوق موضوعه دانسته است که کارویژه اصلی‌اش تعیین اندام‌ها و مراحل ایجاد قواعد کلی (قانون‌گذاری) است. همچنین وی منشأ همین هنجار برتر (قانون اساسی) را نیز نهایتاً به قانون اساسی اولیه نسبت داده است که ممکن است توسط یک شخص غاصب یا از طریق یک شورا وضع و جعل شده باشد (کلسن، ۱۳۹۱: ۱۰۶). لذا در نگاه کلسن، قانون اساسی در رأس این سلسله‌مراتب قواعد حقوقی قرار گرفته است. به عبارتی، هنجارهای حقوقی در طول همین هنجار برتر صورت‌بندی شده‌اند و این وضعیت را بایستی دومین جلوه‌گاه تمایز نظام حقوقی ایران با نظام حقوقی هانس کلسن محسوب کرد. مبتنی بر آنچه گفته شد، به قانون اساسی و مصادیق هم‌رتبه با این قانون در نظام هنجاری جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. قانون اساسی

از منظر برخی نویسندگان، قانون اساسی ملموس‌ترین نظم موجود و برجسته‌ترین تشکیلات سیاسی و اجتماعی را عرضه می‌نماید و این موضوع توسط حقوق‌دانان بازتاب می‌یابد (گرجی، ۱۳۹۷: ۱۶۴-۱۶۳). اصولاً قانون اساسی منشور مشترک بین حاکمان و حکومت شوندگان است که طبق آن

۱. اصل ۷۹- ... در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید ...

حدود اختیارات دولت تعیین و حقوق مردم تضمین می‌شود (کدخدایی، ۱۳۸۲: ۲۶۳). اما تدوین کنندگان قانون اساسی مشروطه مسئله حائز اهمیت سلسله‌مراتب بین قواعد حقوقی و تضمین برتری قانون اساسی را مغفول گذاشته و این موضوع را به سکوت برگزار کرده بودند و در مواقع بروز اصطکاک حقوقی فی‌مابین قوانین، لاجرم با اتکای بر اصول رایج و مسلم حقوقی به رفع تعارضات پیش‌آمده همت می‌گماشتند (ابوالحمد، ۱۳۶۰: ۲۱) و به عبارتی، برای قانون اساسی در اساسی‌ترین مقوله یعنی اصل سلسله‌مراتبی بودن قواعد (لزوم تبعیت قانون‌گذار عادی از قوه مؤسس) هیچ‌گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده بود (آزمایش، ۱۳۵۰: ۱۱). اما قضیه برتری قانون اساسی نسبت بر هنجارهای حقوقی دیگر در اصل (۷۲)^۱ قانون اساسی سال ۵۸ مورد توجه تدوین‌کنندگان قرار گرفت و این فراز از قانون اساسی را می‌بایست تجلی برتری قانون اساسی و اصل سلسله‌مراتبی قواعد حقوقی دانست. با این حال، در نظام حقوقی ایران حول محور قانون اساسی الزام‌ها و قواعد دیگری نیز قابل مشاهده هستند. به عنوان نمونه، با استنباط و استدلال از اصل (۹۸) قانون اساسی، می‌توان ادعا داشت که نظرات تفسیری شورای نگهبان با قرار گرفتن در عرض قانون اساسی از ارزش و اعتباری هم‌تراز با این قانون پیدا کرده (حاج‌علی‌خمسه، ۱۳۹۳، ۲۹) که با قرار گرفتن در عرض این قانون در بدیع و بی‌نظر بودن نظم حقوقی ایران مداخلت و مباحثت دارند.

۲-۲-۲. اصول لایتغیر مندرج در اصل ۱۷۷ قانون اساسی

هرچند فرا قانون اساسی بودن هنجار حقوقی به مفهوم وجود قواعدی متکی بر هنجارهای برتر از قانون اساسی بوده و با تورق متن مندرج در قانون اساسی، شناسایی این دست از هنجارها امر دشواری به نظر می‌رسد. اما عده‌ای با نظری تردیدآمیز اصل (۱۷۷) قانون اساسی را به دلیل دارا بودن مؤلفه‌های لایتغیر مصرح در متن آن، در زمره اصول مافوق قانون اساسی محسوب نموده‌اند. با این حال، ایشان بلافاصله از این ادعا عدول نموده و تحقق مفهوم و مؤلفه‌های فرا قانون اساسی را قابل جستجو در خارج از متن قانون اساسی دانسته‌اند (فاورو و ودل، ۱۳۸۲: ۲).

۲-۳-۲. نظرات تفسیری شورای نگهبان

بسیاری از حقوق‌دانان در مقام تبیین و تشریح جایگاه حقوقی تفاسیر رسمی قانون اساسی توسط شورای نگهبان قلم‌فرسای کرده و تفسیر قانون اساسی را دارای ارزش و اعتباری برابر با متن قانون اساسی قلمداد نموده‌اند. به عنوان نمونه برخی از نویسندگان آن را در حکم قانون اساسی دانسته (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۵۱)

۱. اصل ۷۲- مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...

و عده‌ای نیز نظرات تفسیری شورای نگهبان را به‌مثابه خود قانون اساسی محسوب کرده و اعتبار نظرات تفسیری این شورا را در حد اعتبار خود قانون اساسی تلقی کرده‌اند (مجیدی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). در نظری مشابه، برخی نیز فی‌مابین تفسیر قانون اساسی و متن قانون اساسی حد و مرزی قائل نشده تخلف از نظرات شورا را به‌مثابه تخلف از متن قانون اساسی به‌حساب آورده‌اند (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۷۷) و مضافاً اینکه، گروهی هم با تأیید رویکردهای شمرده شده، تفسیر قانون اساسی را جزئی از قانون اساسی و هم‌تراز با آن دانسته‌اند (زرنگ، ۱۳۸۴: ۸۴). به هر ترتیب، تفسیر قانون اساسی به‌مثابه سازوکار انحصاری شورای نگهبان، مبنای اقتدار و اختیار این نهاد تلقی گردیده و از عوامل دیگر تداخل قواعد حقوقی در رأس سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی ایران دانسته شده است (ویژه، ۱۳۸۸: ۱۷). لذا، قرار گرفتن نهاد تفسیر و تأویل در عرض قانون اساسی، بر غیرطبیعی جلوه‌گر شدن نظم حقوقی حاکم بر سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی قوت بخشیده است.

۲-۲-۴. سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌های کلی نظام به‌مثابه یکی از ابداعات قانون‌گذار اساسی سال ۶۸، برخلاف اصول حاکم بر هرم کلسنی، همدوش با قانون اساسی در پیکره‌بندی نظام حقوقی ایران ایفای نقش می‌نماید و با هم‌رتبه تلقی شدن با قانون مزبور در اختصاصی تلقی شدن نظم حقوقی ایران اثرگذار شده است. اما از حیث ماهیتی برخی از نویسندگان سیاست‌های کلی را از جنبه‌های فقهی در زمره حکم حکومتی دانسته‌اند، لیکن از آنجا که این سیاست‌ها به‌صراحت در قانون اساسی (بند ۱ اصل ۱۱۰)، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، تلقی آن به‌مثابه حکم حکومتی از حیث حقوقی به ماهیت آن خدشه وارد می‌نماید (موسوی و پروین، ۱۴۰۰: ۱۵۳). مضاف بر آن، سیاست‌های کلی را مترادف با قانون نیز نمی‌توان تلقی کرد. چراکه نه مقام واضع آن به‌عنوان قانون‌گذار مورد شناسایی قرار گرفته است و نه فرآیند وضع و شکل‌گیری آن طبق آیین قانون‌گذاری انجام می‌شود، بلکه طرح‌ها و لوایح قانونی می‌بایست هم‌سو با این سیاست‌ها تهیه و تنسيق شوند (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۴). بنابراین، با وجود اینکه سیاست‌های کلی نظام از جنس «قانون» و «احکام شرع» تلقی نشده و در زمره مصوباتی از جنس «راهنما» و «سیاست» به شمار می‌روند (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۴)، ولی عده‌ای از نویسندگان با این استدلال که مجلس شورای اسلامی به استناد اصل ۵۷ قانون اساسی زیر نظر ولی فقیه بوده و مقام رهبری تعیین‌کننده سیاست‌های کلی نظام است، لذا نظرات شورای نگهبان را بر این قواعد از حیث عدم مغایرت مصوبات مجلس با آن‌ها امکان‌پذیر دانسته و آن را در زمره قواعد هم‌عرض قانون اساسی مفروض داشته‌اند (طحان‌نظیف، ۱۴۰۰: ۶۵) و بدین ترتیب با قرار گرفتن سیاست‌های کلی نظام در راستای هنجار برتر (قانون اساسی)، در حجیم‌تر شدن این سطح از سلسله‌مراتب قواعد حقوقی ایران دخیل و سهیم شده است.

۳-۲. هنجارهای کلی (به‌مثابه محصول فرآیند قانون‌گذاری)

کلسن سطح دوم ساختار هرمی شکل نظم حقوقی ترسیمی‌اش را هنجارهای کلی برگرفته از فرآیند قانون‌گذاری نامیده است که خود تعیین‌کننده اقدام‌ها و ایجادگر هنجارهای جزئی (مقرره‌ها) هستند (کلسن، ۱۳۹۱: ۱۰۷). لذا منطق سلسله‌مراتبی حاکم بر قواعد حقوقی ایجاب می‌نماید که تمامی هنجارهای حقوقی که در فرآیند انتظام‌بخشی اثرگذار هستند، ذیل قانون اساسی قرار گرفته و هریک ارزش و اعتبار خود را از هنجارهای مافوق خود دریافت نمایند. اما بعضاً تکرر نهادهای صلاحیت‌دار در قلمرو «مقررات‌گذاری»^۱ در یک نظام حقوقی، ساختار سلسله‌مراتبی آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به عبارتی، فزونی نهادهای قانون‌گذار و به تبع آن زایش بی‌حد و حصر هنجارهای حقوقی مرتبه پایین قانون اساسی باعث پدیدار شدن نوع متمایزتری از نظم حقوقی در مقایسه با نظام حقوقی شناخته شده می‌شود که همین وضعیت (تورّم تقنینی) در نظام قانونی ایران باعث بروز و ظهور شاکله‌ای از نظام حقوقی متباین با نظم حقوقی کلسنی شده است.

۳-۲-۱. مصوبات مجلس شورای اسلامی

قوانین عادی در قانون اساسی ما تعریف نشده است، اما رد پای اعتباربخشی به این دسته از هنجارهای حقوقی را در قانون اساسی می‌توان پیدا کرد. بر همین اساس، اصول ۷۱ و ۷۳ این قانون را باید از مصادیق توجه خاص مقنن اساسی بر قوانین عادی محسوب کرد (ویژه، ۱۳۸۸: ۱۴). همچنین، به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان، تنها مصوبات مجلس شورای اسلامی (موضوع اصل ۵۸ قانون اساسی)^۲ و نتایج همه‌پرسی (موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی)^۳ در ردیف قوانین عادی تلقی می‌شوند، به این معنی که هر قاعده‌ای مطابق با تشریفات مقرر شده به تصویب مرجع اصلی قانون‌گذاری برسد را باید «قانون» محسوب کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۳). اما از نگاه کلسن، قوانین عادی به‌مثابه قواعدی پایین‌تر از سطح قانون اساسی «هنجارهای کلی» نامیده شده است که علاوه بر تعیین اقدام‌ها و مراحل ایجاد قواعد جزئی، محتوای هنجارهای جزئی را نیز مشخص می‌نمایند (کلسن، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۷). برخی از

1. Regulation

۲. اصل ۷۱- مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.
۳. اصل ۷۳- شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.
۴. اصل ۵۸- اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.
۵. اصل ۵۹- در مسائل بسیار مهم اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء عمومی یابد به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

نویسندگان، قانون (قوانین مصوب مجلس) را مهم‌ترین عنصر در نظام حقوقی تلقی کرده و آن را در زمره با اهمیت‌ترین اختیارات و اقتدارات حکومت‌ها دانسته‌اند (صابری و طحان‌نظیف، ۱۴۰۰: ۱۱۶). برخی هم قوانین مصوب مجلس را در چهار حوزه: «قوانین معمولی»، «قوانین خاص و سازمان‌دهنده»، «قوانین تفویضی» و «قوانین تفسیر شده» دسته‌بندی کرده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۶). اما به هر ترتیب، مصوبات مجلس شورای اسلامی در نظام قانونی ایران گستره وسیعی از قواعد حقوقی کشور را به خود اختصاص داده و نقش تعیین‌کننده‌ای در سازماندهی و ساختار هندسه نظام حقوقی ایران ایفا می‌نماید که جنس این‌گونه از قواعد در نظم حقوقی کلسنی نیز قابل مشاهده هستند، با این تفاوت که حجم و گستردگی این دست از هنجارهای حقوقی در نظم حقوقی ایران به‌طور تصاعدی از قواعد هم‌نوعش در هرم حقوقی کلسنی بوده افزایش یافته و همین وضعیت باعث شده است که نظم حقوقی ایران به‌طور چشمگیری از سطح متناظر خود در هرم حقوقی کلسنی فربه‌تر رُخ نماید.

۲-۳-۲. مصوبات موضوع اصل ۱۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام

فلسفه وجودی شناسایی مجمع تشخیص مصلحت منبعث از حدوث اختلاف فی مابین نهاد مجلس و شورای نگهبان در گستره اصل ۱۱۲ قانون اساسی دانسته شده است (هاشمی، ۱۳۸۵: ۵۴۶). از سوی دیگر، این نهاد در عرض قوای دیگر قرار نداشته و صرفاً از صلاحیت مشورتی و نظارتی برخوردار بوده و صلاحیت قانون‌گذاری را ندارد. این در حالی است که مجمع با ورود مستقیم به عرصه قانون‌گذاری به تداخل در صلاحیت‌ها دامن زده است. در حالی که برای نهاد مذکور توجیه منطقی و سیاسی برای مداخله مستقیم در عرصه قانون‌گذاری وجود نداشته است^۱ (زارعی، ۱۳۸۳: ۳۲۴). لذا این دسته از مصوبات نیز بدون اینکه با قواعد موضوع بند ۸ اصل ۱۱۲ قانون اساسی خلط شوند، در کنار قوانین عادی مجلس در حجیم‌تر و متجسم شدن سطح پایینی قانون اساسی اثرگذار گردیده و در شکل‌گیری خاص نظم حقوقی ایران ایفای نقش نموده است.

۲-۳-۳. مصوبات مجلس خبرگان رهبری

مصوبات مجلس خبرگان رهبری تنها الزاماتی محسوب می‌شوند که در قانون اساسی اصل ۱۰۸^۲ در کنار مصوبات مجلس از آن تحت عنوان «قانون» یاد شده است. بر همین اساس، ضرورت دارد که مصوبات این نهاد اساسی را حداقل هم‌عرض و هم‌ردیف مصوبات مجلس شورای اسلامی (قوانین عادی)

۱. قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷، قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰، قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات مصوب ۱۳۷۰ و ...

۲. اصل ۱۰۸- قانون مربوط به مصوبات تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء تصویب شود ...

به حساب آوریم. به تبع این حکم قانونی، قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها در زمره الزاماتی هستند که هم‌شان با مصوبات مجلس در شکل‌گیری و سازماندهی لایه‌های میانی نظم حقوقی کشور سهیم بوده و هم‌رتبه با قوانین عادی و دیگر الزام‌های هم‌درجه‌اش به تشدید تورم تقنینی و فربه‌تر شدن سطح پایین‌تر از قانون اساسی را منجر شده است.

۲-۳-۴. همه‌پرسی تقنینی

سازوکار اعمال قانون‌گذاری از طریق مراجعه به همه‌پرسی (همه‌پرسی تقنینی) ازجمله قاعده حقوقی محسوب می‌شود که قانون‌گذار اساسی در ذیل اصل ۵۹ قانون اساسی نسبت به اساسی‌سازی آن اهتمام ورزیده و در زمره اعمال قانون‌گذاری در نظام قانونی ایران تلقی شده است. هرچند این اصل قانونی تاکنون در طول حکومت جمهوری اسلامی ایران شکل اجرایی پیدا نکرده است، ولی به هر ترتیب، این اصل قانونی ازجمله ظرفیت‌های دیگری است که در صورت اجرایی شدن آن، به مثابه قانون عادی در صورت‌بندی نظم حقوقی ایران (در سطح مربوط به قانون عادی) می‌تواند اثرگذار باشد. چراکه موضوع و مقصودی که طی اصل قانونی مورد بحث به همه‌پرسی گذاشته می‌شود از جنس تقنین بوده و به گواه اصول متعدد قانون اساسی محصول نهاد قانون‌گذاری نباید در تناقض و تغایر با آن قانون باشد (واعظی و زیرایی، ۱۳۹۹: ۲۱۰) و این گزاره نیز دلیل آشکاری بر جانمایی موضوع همه‌پرسی اصل ۵۹ در طول (ذیل) قانون اساسی است.

۲-۳-۵. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی به مثابه نهاد ناقض صلاحیت‌ها و استقلال قوای سه‌گانه دانسته شده است که در مواردی به مداخله در صلاحیت‌های ذاتی آن‌ها پرداخته است (زارعی و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۳۱). اما این قواعد حقوقی با آنکه از پشتوانه قانون اساسی برخوردار نیست، ولی از صلاحیت تصویب قوانین لازم‌الاجرا برخوردار است. هرچند از سوی حقوق‌دانان در زمینه جایگاه نهاد مزبور و مصوبات آن نظرات معتاب‌هی ارائه شده است. اما عده‌ای با تمسک بر اصل ۵۷ قانون اساسی، مصوبات این نهاد را دارای ارزشی قانونی دانسته و حتی آن‌ها را برتر از قانون عادی تلقی می‌کنند و بر این باورند که کلیه نهادها بایستی مصوبات این شورا را رعایت کنند (افضلی، ۱۳۸۷: ۵۳؛ نورایی، ۱۳: ۱۳؛ اسکویی، ۱۳۹۴: ۶۳۸). البته باید خاطر نشان کرد که چنانچه مصوبات این نهاد به تصویب رهبری نیز برسد، می‌بایست بر مصوبات آن ارزش فرا قانون اساسی قائل شد. شاید بر همین اساس است که قانون‌گذار با شناسایی تبصره

۱. در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

۲ ماده ۱۲ قانون دیون عدالت اداری (مصوب ۱۴۰۲)^۱ مصوبات این نهاد را از شمول صلاحیت‌های رسیدگی دیوان عدالت اداری خارج کرده است که این وضعیت حاکی از فرا مقرراتی بودن این دست از مصوبات است. اما به هر ترتیب قواعد تکوین یافته توسط این نهاد در ذیل قانون اساسی قابل بررسی و ارزش‌گذاری می‌باشند که هم‌عرض با قواعد موضوعه دیگر در گسترش پهنای سطح مزبور دخیل و سهیم شده‌اند. اما به سبب فقدان مرجع نظارتی بر این نهاد، این احتمال وجود دارد که شورای مزبور از حدود و ثغور اختیارات خود خارج شود (الهام و میرمحمدی میبیدی، ۱۳۹۲: ۱۷۵) و مصوبات آن از حیث ارزش و اعتبار بالاتر قواعد دیگر قرار بگیرد.

۳-۶. مصوبات شورای عالی فضای مجازی

شورای عالی فضای مجازی نیز در زمره نهادهایی قرار دارد که اسمی از آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به میان نیامده است. طبق ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی این شورا^۲ (مصوب ۱۳۹۱)، مصوبات شورا باید به استحضار مقام رهبری رسیده و متعاقب آن جهت اجرا به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شود. هرچند شورای عالی فضای مجازی را نیز با استناد به اصل ۵۷ قانون اساسی می‌توان به مثابه نهادی فرا قانون اساسی تلقی کرد. اما با مذاقه نظر در منظوق ماده ۱۱ آیین‌نامه مزبور، مصوبات شورا صرفاً به استحضار مقام رهبری می‌رسد و از شرایط، اعتبار و ارزشی که مصوبات شورای عالی امنیت ملی از آن برخوردار هستند (که با تأیید مقام رهبری اعتبار قانونی پیدا می‌کند) برخوردار نمی‌باشند و از این حیث می‌بایست این مصوبات را در زمره الزامات مادون قانون اساسی تلقی کرد که در عرض قوانین عادی در حجم شدن این سطح از نظم حقوقی ایران (از زمان تأسیس تاکنون) ایفای نقش داشته است. در مقام تأیید این مدعا، برخی از نویسندگان نیز در یافته‌های پژوهشی خود، قدر متیقن مصوبات شورا را فراتر از امر سیاست‌گذاری تلقی کرده‌اند و حسب مورد آن‌ها را در زمره قوانین یا مقررات محسوب نموده‌اند (پیرنیا و ابریشمی‌راد، ۱۴۰۱، ۳۷۵).

۲-۴. قواعد هم‌عرض یا در حکم قوانین عادی

دسته دیگری از هنجارهای حقوقی در نظم حقوقی ایران به مثابه الزاماتی همسنگ و هم‌رتبه قوانین عادی

۱. تبصره ۲ ماده ۱۲- رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در حوزه تحت صلاحیت این نهادها از شمول حکم این ماده خارج است، لیکن رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های شوراهای مذکور از قبیل هیئت (کمسیون) ها، کارگروه (کمیته) ها، شوراها و ستادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.

۲. ماده ۱۱- مصوبات شورای عالی پس از ملاحظه رئیس شورا بلافاصله توسط دبیر به استحضار مقام معظم رهبری می‌رسد و سپس توسط دبیر به دستگاه‌ها و اشخاص ذی‌ربط ابلاغ می‌شود.

تلقی می‌شوند. در همین ارتباط الزاماتی همچون منابع معتبر یا فتاوی معتبر اسلامی (موضوع اصل ۱۶۷ قانون اساسی)، آیین‌نامه داخلی مجلس (موضوع اصل ۶۶ قانون اساسی)، آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور (موضوع اصل ۱۶۱ قانون اساسی)، در زمره این دست از قواعد محسوب می‌شوند علاوه بر آن‌ها، قواعدی نیز در نظام قانونی ما وجود دارند که در حکم قوانین عادی محسوب می‌شوند. بر همین اساس، عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه بین‌المللی، قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها (موضوع اصل ۷۷ قانون اساسی)، پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی مصوب مجلس (موضوع اصل ۱۲۵ قانون اساسی) در شمول این دسته از قوانین تلقی می‌شوند که در نوع صورت‌بندی و پرازدحام شدن نظم حقوقی ایران اثرگذارند.

۲-۵. قواعد مادون قوانین عادی (مقررات دولتی)

در منظومه فکری کلسن از مقررات دولتی تحت عنوان «هنجارهای کلی صادره از اندام‌های اداری» یاد شده است که اجرای مفصل‌تر قوانین موضوعه از آن طریق امکان‌پذیر می‌شود. این دست از هنجارها یا موجب اجرایی شدن قوانین مصوب مجلس شده یا جایگزینی برای این دسته از هنجارها می‌شوند. علاوه بر آن، کلسن این قواعد را تصویب‌نامه قانونی می‌نامد (کلسن، ۱۳۹۱: ۹۹: ۱۰۸). همچنین، برخی از حقوق‌دانان بر این باور هستند که بین آیین‌نامه (به‌مثابه مقررات دولتی) با قانون از حیث ماهوی و لازم‌الاجرا بودن تفاوتی وجود ندارد و صرفاً از نظر شکلی (مرجع وضع) با یکدیگر در تمایز هستند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۵: ۳۱۳). اما در هر صورت، مقررات دولتی از شأن و جایگاه پایین‌تری نسبت به قانون اساسی و قوانین عادی داشته و مغایرت نداشتن مقررات با قوانین عادی و قانون اساسی، شرط معتبر محسوب شدن آن‌ها تلقی شده است (کدخدایی و درویش‌وند، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

در مقام فلسفه وجودی مقررات دولتی، برخی از نویسندگان معتقدند که بخش کثیری از قوانینی که توسط قوه مقننه به تصویب می‌رسند از آن‌چنان عمومیت و کلیتی برخوردارند که اجرایی شدن آن‌ها به همان گونه‌ای که وضع شده‌اند امکان‌پذیر نمی‌باشند و اجرایی شدن آن‌ها مستلزم وضع مقررات آیین‌نامه‌ها است (ابوالحمد، ۱۳۸۳: ۵۸۲). در همین ارتباط، مقنن اساسی سازوکاری را در اصل ۱۳۸ قانون اساسی^۱ مورد توجه قرار داده است تا امکان اجرایی‌سازی قوانین مصوب مجلس فراهم شود. لذا به صراحت بند آخر همان اصل از قانون اساسی، مقررات دولتی در سطح پایین‌تر از قانون قرار دارند.^۲

۱. اصل ۱۳۸- «علاوه بر مواردی که هیئت‌وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت‌وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد....»

۲. بند آخر اصل ۱۳۸- «... تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آن‌ها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت‌وزیران بفرستد.»

افزون بر آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی که قانون‌گذار اساسی مجوز تدوین و تنظیم آن‌ها را به دولت داده است، سایر نهادهای اساسی شناسایی شده در قانون اساسی و قوانین عادی از اختیار مقررات‌گذاری برخوردار هستند که می‌توان به آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی که از طرف رئیس قوه قضائیه صادر می‌شود، اشاره داشت (موضوع تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری). همچنین مصوبات داخلی شورای نگهبان، مصوبات اصناف و نظام حرفه‌ای، مصوبات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز از دیگر الزامات حقوقی هستند که بخشی از قلمرو نظم حقوقی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین اشاره به این نکته ضروری است که مقررات دولتی از حیث کمی همواره حجیم‌تر از قوانین مصوب مجلس است. چراکه مقرره‌ها علاوه بر اینکه برای «تأمین اجرای قانون» وضع و صادر می‌شوند، «تنظیم سازمان‌ها» و «انجام وظایف اداری» با تمسک به مقرراتی همچون بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مستقل، بخش قابل توجهی از قواعد حقوقی کشور را تشکیل می‌دهند که همین وضعیت منجر به گستردگی و فراخی غیرمتعارف قسمت تحتانی نظام حقوقی ایران شده است که البته از این حیث نیز همچون سطح قوانین عادی مشابه با نظم هرمی کلسنی است که در قسمت تحتانی واجد حداکثر فراخی و پهنای بوده و قسمت فوقانی نظم حقوقی از این حیث در رتبه بعدی قرار گرفته است و در نهایت سطح مربوط به قانون اساسی با شیب ملایمی از این حجم بروز یافته است که شکل ترسیمی (برج خنک‌کن هذلولی)، (شکل شماره ۱) مؤید همین تصویر متمایز با هرم کلسنی است.



شکل شماره ۱- شکل ترسیمی (برج خنک‌کن هذلولی)

۲-۶. شوراهای نوپدید در نظام حقوقی ایران

در پایان باید خاطرنشان کرد که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران آن دسته از نهادهایی که فاقد پشتوانه قانون اساسی هستند و در ورای قانون اساسی قرار گرفته‌اند (احکام حکومتی) و یا همچنین ساختارهایی که منشعب از مصوبات مجلس نیستند؛ ولی هم‌عرض و همسنگ با قوانین عادی تلقی می‌شوند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی) صرفاً در نهادها یا ساختارهای احصا شده در سطور بالا خلاصه نمی‌شوند. بلکه در این خصوص نظام حقوقی ایران با برخی از شوراهای نوظهور نیز مواجه است که به‌نوعی در شکل‌گیری و صورت‌بندی نظام حقوقی حال حاضر ایران ایفای نقش می‌نمایند. به‌عنوان نمونه، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوای سه‌گانه در زمره این

دسته از نهادها قرار دارند که در رأس قانون اساسی و یا در ورای قوانین عادی قابل جانمایی هستند. لذا، اگر ادعا شود که شوراهای نوظهور مزبور قابل جانمایی در این نقطه از سلسله‌مراتب قواعد حقوقی ایران نیستند، دیگر لزومی به تأسیس و تولد آن‌ها نمی‌بود. البته از منظر برخی از نویسندگان، مصوبات شورای عالی هماهنگی سران قوا از آن جهت که از مصادیق قواعد مصرح در قانون اساسی (قانون موضوعه مجلس) و نیز مقررات دولتی (آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها) محسوب نمی‌شوند، لذا مصوبات شورای مزبور را به‌مثابه احکام حکومتی شمرده‌اند (عباسی و شیدایی آشتیانی، ۱۴۰۲: ۱۹۴-۱۹۵). البته باید افزود که احکام حکومتی صرفاً از طُرُق منطقه‌الفراغ موضوعیت یافته و یا از رهگذر صدور دستورات خاص به‌منظور اجرای احکام اولیه یا ثانویه مورد حکم ولایت مطلقه فقیه قرار می‌گیرند (عباسی و شیدایی آشتیانی، ۱۴۰۲: ۱۹۴-۱۹۵). با وجود این، این دسته از قواعد نوپا نیز در حجیم و فربه‌تر شدن بافت نظم حقوقی ایران در سطوح مربوطه در حال قوام و نقش‌آفرینی هستند.

نتیجه‌گیری

طی این نوشتار این نتیجه به دست آمد که ماهیت نظام، نوع چیدمان حاکم بر نظم حقوقی ایران و تعدد مراجع قانون‌گذاری، منجر به فاصله گرفتن نظام حقوقی ما از هِرم حقوقی کلسنی شده و صورت‌بندی منحصر به فردی از سلسله‌مراتب قواعد حقوقی در نظام هنجاری ایران را به تصویر کشیده است. بر همین اساس، احکام حکومتی، مصوبات بند ۸ ذیل اصل ۱۱۰، مصوبات شورای عالی امنیت ملی در سطح بالاتر از قانون اساسی قرا گرفته‌اند و هنجارهایی همچون اصول لایتغیر قانون اساسی، تفاسیر شورای نگهبان، سیاست‌های کلی نظام با قرار گرفتن در عرض قانون اساسی در صورت‌بندی نظم حقوقی ایران مؤثر افتاده‌اند. همچنین پرازدحامی قواعد در سطوح تحتانی قانون اساسی (قوانین و مقررات) و وجود قواعدی همسان مصوبات مجلس خبرگان رهبری، مصوبات موضوع اصل ۱۱۲ قانون اساسی، همه‌پرسی تقنینی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات شورای عالی فضای مجازی و نیز قواعد هم‌عرض و در حکم قوانین عادی به صورت‌بندی و تکوین به خصوصی از نظم حقوقی در ایران انجامیده است. مضاف بر آن، برخی از شوراهای نوظهور فاقد مبنای مصرّحه در قانون اساسی نیز در شکل‌گیری نظم حقوقی ایران دخیل شده و عوامل و عناصر مزبور در نهایت منجر به پیدایش صورتی منحصر به فرد، متناظرِ برج خنک کن هذلولی شده‌اند.

فهرست منابع

- ابریشمی‌راد، محمدامین و اسدی‌اوجاق، نادر (۱۴۰۱). «مهم‌ترین علل قابل اجرا نبودن قوانین در نظام حقوقی ایران». **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، دوره ۱۱، شماره ۳۵.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۳). **حقوق اداری ایران**. تهران: انتشارات توس.
- آزمایش، علی (۱۳۵۰). **مسئله مغایر قانون با قانون برتر**. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰.
- اصلانی، نسرین (۱۳۹۹). «داد و دادورزی در فرمان‌های شاهان هخامنشی و تأثیر آن بر تأمین نظم و امنیت». **فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی**، دوره ۷، شماره ۲۷.
- آقائی، مسلم (۱۴۰۱). «بایسته‌های حقوق اساسی مدیریت وضعیت‌های اضطراری با تأکید بر کووید-۱۹». **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۵، شماره ۲.
- بادامچی، حسین (۱۳۸۲). **آغاز قانون‌گذاری؛ تاریخ بین‌النهرین باستان**. تهران: انتشارات طرح نو.
- بالوی، مهدی، بیات‌کمیتیکی، مهناز و زارع‌مهذبیه، مرجان (۱۳۹۹). «حکم حکومتی و مصلحت عمومی». **فصلنامه پژوهش‌های حقوق اداری**، دوره ۲، شماره ۲.
- بنابی‌اسکویی، مجید (۱۳۹۴). «تحدید قلمرو صلاحیت دیوان اداری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی». **مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۵، شماره ۴.
- پیرنیا، کوثر و ابریشمی‌راد، محمدامین (۱۴۰۲). «نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران». **پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، دوره ۵، شماره ۱۷.
- تقوی، سید مصطفی (۱۳۹۰). «احکام حکومتی؛ قانون اساسی و کارآمدی. فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر»، دوره ۲، شماره ۱.
- جعفری‌ندوشن، علی‌اکبر و حکمتی‌مقدم، سید محسن (۱۴۰۰). «بررسی سیر تصویب و اجرای اصل طراز در قانون اساسی مشروطه». **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۵۱، شماره ۴.
- حاج‌علی‌خمس، مرتضی (۱۳۹۳). **سلسله‌مراتب قوانین در نظام جمهوری اسلامی ایران**. پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۰۷۴.
- دانش‌کیا، محمدحسین (۱۳۸۸). «بررسی اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه». **فصلنامه انقلاب اسلامی**، دوره ۵، شماره ۱۶.
- درودی، مجتبی (۱۳۹۰). «سلسله‌مراتب قانون‌گذاری در نظام اداری اسلامی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۱، شماره ۱.
- دوست‌محمدی، احمد و باباپور، محمدمهدی (۱۳۹۰). «مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ زمینه‌های پیدایش، منازعات گفتمانی و قانونمندی». **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱.
- رجبی‌داوانی، محمدحسین (۱۳۹۳). «نقش نهاد مرجعیت و روحانیت شیعه در برابر تهدیدات سخت و نرم دشمنان از صفویه تا انقلاب مشروطه». **مجله سیاست دفاعی**، دوره ۲۲، شماره ۸۸.
- رحمت‌الهی، حسین و آقامحمدآقایی، احسان (۱۴۰۰). **نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی**، چاپ دوم، تهران: سهامی انتشار.

- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). «با تأملی بر سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ایران و جایگاه مجمع تشخیص مصلحت». فصلنامه راهبرد، دوره ۱۲، شماره ۴.
- زارعی، محمدحسین، حسینی، سید محمد و نجفی‌کلیانی، محمد (۱۳۹۸). «شورای عالی انقلاب فرهنگی در ترازوی استقلال قوا». فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۳.
- زرنگ، محمد (۱۳۹۴). سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زمانی‌محبوب، حبیب (۱۳۸۸). «بررسی ورود اسلام به ایران». نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۲.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۶). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شوالیه، ژاک (۱۳۷۸). دولت قانونمند. ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر دادگستر.
- صابری، علی و طحان‌نظیف، هادی (۱۴۰۰). «مجلس شورای اسلامی و لزوم ارزیابی تأثیرات قانون در مرحله تقنین». فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۴.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۵). حقوق اداری. تهران: انتشارات سمت.
- طحان‌نظیف، هادی و بکشلو، رضا (۱۴۰۰). «مرجع صالح در نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام: وحدت یا تعدد». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۱.
- عباسی، بیژن و شیدایی‌آشتیانی، نوید (۱۴۰۲). «جایگاه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و مصوبات آن در نظم حقوق اساسی». فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۳.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). «حقوق اساسی ایران در دوران باستان». نشریه حقوق اساسی، دوره ۲، شماره ۳.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، و محمدی، محمدعلی (۱۳۸۵). «منابع و مبانی حقوق عمومی در اسلام». فصلنامه اندیشه‌های حقوق، دوره ۴، شماره ۱۱.
- فاورو، لویی و وودل، ژرژ (۱۳۸۲). «اصول فرا قانون اساسی و حاکمیت ملی (ترجمه علی‌اکبر گرجی)». فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۱.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). «گذری بر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی». فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۱.
- کدخدایی، عباسعلی و درویش‌وند، ابوالفضل (۱۳۹۱). «نظارت بر مقررات دولتی (اصول ۵۸ و ۸۵ قانون اساسی)». فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، دوره ۱، شماره ۱.
- کلسن، هانس (۱۳۹۱). نظریه حقوقی ناب. ترجمه: اسماعیل نعمت‌اللهی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گروهی از پژوهشگران (۱۳۹۳). تحلیل و بررسی جایگاه و صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام. گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۰۰۸.
- مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۹). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران). قم: دفتر نشر معارف.
- ملک‌افضلی، محسن (۱۳۸۷). «جایگاه و اعتبار مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی». فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۸.
- موسوی، سید عباس، پروین، خیرالله و موسوی جوی، سید محمدرضا (۱۴۰۰). «نسبت‌سنجی «سیاست‌های کلی نظام» با «احکام حکومتی» از منظر فقه و حقوق». نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۶۷.

- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷). «تأملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام». فصلنامه فقه و حقوق، دوره ۵، شماره ۱۷.
- نمازی‌فر، حسین (۱۳۷۹). احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی (ره). مقالات و بررسی‌ها، دوره ۳۳، شماره ۶۸.
- نورایی، مهدی (۱۳۹۲). مراجع قانون‌گذار در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. دفتر مطالعات قانون و قانون‌گذاری، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۲۰۰۳۱.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۵). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی). تهران: نشر میزان.
- الهام، غلامحسین و میرمحمدی‌میلدی، سید مصطفی (۱۳۹۲). «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام». پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۱.
- واعظی، سید مجتبی و وزیرایی، رضا (۱۳۹۹). «دمکراسی مستقیم در ایران: بررسی تطبیقی شیوه و گستره اجرای اصل ۵۹ قانون اساسی ایران». فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۸۹.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۸). «تأملی بر سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه راهبرد، دوره شانزدهم، شماره ۵۰.

References

- Stranzinger, Rudolf, 1977. Der Normbegriff bei Hans Kelsen, Archiv für Rechts- und Sozialphilosophie.
- Hughes, Garham, 1971. Validity and the Basic Norm; California Law Review, No. 5.
- Kelsen, Hans, 1976. The pure theory of law, trans. By Max Knight.
- Persian Source**
- Experiment, Ali, 1350, the issue of law with the Top Law, Tehran Faculty of Law and Political Science, No. 10.
- Aghaei, Muslim, 1401, Emergency Status Management Requirements with Emphasis on Kavid 19, Journal of Legal Research, Volume 25, No. 2.
- Abrishami Rad, Mohammad Amin and Asadawujagh, Nader, 1401, the most important causes of laws in the Iranian legal system, Journal of Public Law, Vol. 11, No. 35.
- Badamchi, Hussein, 2003, the beginning of the legislation; Ancient International History, Tehran: New Design Publications.
- Pirnia, Kosar and Silkmiadad, Mohammad Amin, 1402, Supervision of the Supreme Council of Cyberspace approved in the Iranian Legal System, Modern Research of Administrative Law, Fifth Year, No. 17.
- Abolmohammad, Abdul Hamid, 2004, Iranian Administrative Law, Tehran: Toos Publications.
- Aslani, Nasrin, 1399, Judgment on the Achaemenid kings' commands and its impact on order and security, Journal of Police History Studies, Vol. 7, No. 27.
- Elham, Gholamhossein and Mirmohammadi Meibodi, Seyyed Mustafa, 2013, Investigating the Influence of the Supreme Council of the Cultural Revolution with the approvals of the Islamic Consultative Assembly, the Government and the Expediency Council, the

- Islamic Law Research Journal.
- Balavi, Mehdi and Bayat Kamitaki, Mahnaz and Zare Mahzbiya, Marjan, 1399, Governmental and Public Expediency, Journal of Administrative Law, Second Year, No. 2.
- Bonabi Oskoui, Majid, 2015, Restriction of the Jurisdiction of the Administrative Justice Court by the Supreme Council of Cultural Revolution, Public Law Studies, Volume 45, No. 4.
- Taqavi, Seyyed Mustafa, 2011, Governmental Rules; Basic and Effective Funnah, Contemporary Political Searches, Second Year, Issue One.
- Jafari Nadoushan, Ali Akbar and Hekmati Moghaddam, Seyyed Mohsen, 1400, Investigating the Ruler and Implementation of the Principle of the Constitutional Constitution, Journal of Public Law Studies, Volume 51, No. 4.
- Haji Ali Khamseh, Morteza, 2014, Hierarchy of Laws in the Islamic Republic of Iran, Research Institute of the Guardian Council, 20130074.
- Daneshkia, Mohammad Hossein, 2009, Investigating the Implementation of the Second Article of the Constitutional Constitution, Journal of the Islamic Revolution, Vol. Fifth, No. 16.
- Daroudi, Mojtaba, 2011, hierarchy of legislation in the Islamic administrative system; (By emphasizing the constitution of Iran), first year, vol. 1.
- Dost Mohammadi, Ahmad and Babapour, Mohammad Mehdi, 2011, Systemic Constitutional Assembly; Conducts, discourse and law conflicts, Journal of Politics, Volume 41, No. 1.
- Rajabi Davani, Mohammad Hussein, 2014, The role of Shiite authority and clergy against the hard and soft threats of enemies from Safavid to the Constitutional Revolution, Defense Politics Journal, Year 22, No. 88.
- Rahmatollahi, Hussein and Agham Mohammad Aghaei, Ehsan, 1400, New Look at the Principles of Public Law, Tehran: Publishing Joint Stock, Second Edition.
- Zarei, Mohammad Hossein, 2004, with a reflection on the general policies of the Iranian legislative system and the position of the Expediency Council, Strategic Quarterly, Volume 12, No. 4.
- Zarei, Mohammad Hossein and Hosseini, Seyyed Mohammad and Najafi Kaliani, Mohammad, 1398, Supreme Council of Cultural Revolution in Independence Balance, Journal of Legal Studies, Volume 11, No. 3.
- Zarang, Mohammad, 2015, Constitution in the three countries of Iran, France and the United States, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.
- Zamani Mahjub, Habib, 2009, Investigating Islam in Iran, Journal of Islamic History in Mirror Research, No. 22.
- Shabani, Qasim, 2007, Basic Law and Structure of the Government of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Information Publications.
- Knight, Jacques, 1999, Lawyer Government, Translated by Hamid Reza Malek Mohammadi, Tehran: Justice Publishing.
- Saberi, Ali and Tahaz Nizif, Hadi, 1400, the Islamic Consultative Assembly and the necessity of evaluating the impact of the law in the phase of legislation, Quarterly Journal of Public

- Law, Tenth, No. 34.
- Tabatabai Motemani, Manouchehr, 2016, Administrative Law, Tehran: Post Publications.
- Tahan Nazif, Hadi and Bishloo, Reza, 1400, Saleh's authority in overseeing the implementation of the general policies of the system, unity or multiplicity, Journal of Public Law Studies, Volume 51, No. 1.
- Abbasi, Bijan and Shidi Ashtiani, Navid, 1402, the Position of the Economic Coordination Council of Heads and its approvals in the order of fundamental law, Journal of Legal Research, Volume 26, No. 103.
- Amid Zanjani, Abbas Ali and Mohammadi, Mohammad Ali, 2006, Sources and Principles of Public Law in Islam, Journal of Law Thoughts, Vol. 4, No. 11.
- Amidzanjani, Abbas Ali, 2004, Iran's Basic Law in Ancient times, Journal of Basic Law, Second Year, No. 3.
- Favuro, Louis and Wedel, Georges, 2003, Constitutional Principles and National Sovereignty, Translated by Ali Akbar Georgia, Journal of Basic Law, No. 1.
- Judge, Abolfazl, 2003, Basic Rights Requirements, Tehran: Publishing.
- Katouzian, Nasser, 2003, Transition to Formulation of Constitution, Journal of Constitutional Law, No. 1.
- Kaddieh, Abbas Ali and Darvishvand, Abolfazl, 2012, Supervision of Government Regulations) Articles 58 and 835 of the Constitution (Journal of Public Law Reviews, First Vol.
- Kelsen, Hans, 2012, Pure Legal Theory, Translated by Ismail Nematollahi, Tehran: Research Institute of the University and University.
- A Group of Researchers, 2014, Analysis of the Expediency Council's position and competence, Research Report of the Institute of Guardian Council, 20130008.
- Majidi, Mohammad Reza, 2010, Introduction to the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Basic Laws of the Islamic Republic of Iran), Qom: The Office of Education Publishing.
- Morteza, Haji Ali Khamseh, 2014, Hierarchy of Laws in the Islamic Republic of Iran, Research Institute of the Guardian Council, No. 201300074.
- Malek Afzali, Mohsen, 2008, The Status and Credit of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Journal of the Islamic State, Volume 13, No. 48.
- Mousavi, Seyyed Abbas and Parvin, Kheirallah and Mousavi Joy, 1400, Seyyed Mohammad Reza, the ratio of "general policies of the system" with "governmental law" from the perspective of jurisprudence and law, Journal of Islamic Revolution Studies, Volume 18, No. 67.
- Musaizadeh, Ibrahim, 2008, reflection on the concept, nature and legal status of the general policies of the system, Jurisprudence and Law Quarterly, Fifth Year, No. 17.
- Namazifar, Hussein, 2000, Governmental Rules of Imam Khomeini (RA), Articles and Studies, Volume 33, No. 68.
- Nouraei, Mehdi, 2013, Legislative Research in the Islamic Republic of Iran's Basic Law System, Office of Law and Legislation Studies, Research Institute of the Guardian Council,

20120031.

Vaezi, Seyyed Mojtaba and Zarayi, Reza, 1399, Direct Democracy in Iran, Comparative Study of Principle and Expression of Article 59 of the Iranian Constitution, Journal of Legal Research, Volume 23, No. 89.

Special Mohammad Reza, 2009, Reflection on the Hierarchy of Norms in the Legal System of the Islamic Republic of Iran, Strategic Quarterly, Volume 16, No. 50.

Hashemi, Seyyed Mohammad, 2006, Basic Law of the Islamic Republic of Iran (Governance and Political Institutions), Tehran: Publishing.